

«محمد جواد ساکت»، رئیس کل امور تحقیقات بازار شرکت ملی صنایع پتروشیمی در گفت‌وگو با «ایران»
چشم‌انداز ارزآورترین صنعت کشور را بررسی کرد

در جست‌وجوی رویاهای بزرگ‌تر

از غفلت تاریخی از سیاست صنعتی منسجم تا چالش‌های امروز:
زنجیره ارزش ناقص، حکمرانی مبهم و گذار به صنعت کم‌کربن

امین کاوئی - روزنامه‌نگار / بررسی روند توسعه صنعت پتروشیمی در ایران نشان می‌دهد که این صنعت با وجود برخورداری از مزیت‌های گازی کم‌نظیر، به دلیل نبود برنامه‌ریزی بلندمدت و یکپارچه، نتوانسته زنجیره ارزش کامل را در داخل کشور ایجاد کند و وابستگی به صادرات مواد اولیه و میانی همچنان ادامه دارد. در این میان، چالش‌های حکمرانی، تنظیم‌گری، تخصیص بهینه خوراک و الزامات فزاینده محیط زیستی، پرسش‌های اساسی درباره‌ی توسعه آینده این صنعت مطرح می‌کند.

وضعیت تولید و اقتصاد کشور مشهود است اما تجربه‌های نسبتاً موفق در دهه ۴۰ و در دوران پس از جنگ تحمیلی وجود دارد که هر دو نیز با افزایش قیمت نفت و پیاده‌سازی سیاست‌های رفاهی و در نتیجه بیماری هلندی، به اوج خود نرسید.

■ از بین‌صنایعی که اخیراً و در دوران تحریم رشد کردند و بخشی از کاهش درآمدهای صادرات نفت را پوشش دادند، می‌توان به صنعت پتروشیمی و فولاد اشاره کرد. آیا این نتیجه یک برنامه از پیش تعیین شده بود یا صرفاً نتیجه فشار برای پر کردن جای خالی صادرات نفت بود؟

نمی‌توان گفت که وضعیت فعلی صنعت پتروشیمی، نتیجه یک سیاست منسجم و یکپارچه بلندمدت بود اما جهت‌گیری‌های کلی نظیر «تبدیل نفت و گاز خام به مواد غیر خام»، «کاهش خام‌فروشی و توسعه زنجیره ارزش»، «حداکثرسازی تولید از میادین مشترک به ویژه پارس جنوبی» و غیره باعث شد که توسعه‌های اخیر صنعت پتروشیمی مبتنی بر یک مزیت نسبی، یعنی گاز فراوان و بسیار غنی میدان پارس جنوبی، صورت گیرد. چون این سیاست در صنعت پتروشیمی ذیل وزارت نفت با سایر صنایع شکل گرفت، در نتیجه تأمین‌کنندگان تجهیزات و دانش فنی و همچنین مصرف‌کنندگان محصولات پتروشیمی در صنایع تکمیلی با همان سرعت توسعه پیدا نکردند و این باعث شد که عمده محصولات پتروشیمی به صادرات اختصاص یابد و در زنجیره ارزش کشورهای دیگر قرار گیرد.

■ سیاست صنعتی به طور خلاصه چیست و به چه درد یک کشور در حال رشد می‌خورد؟ بنا به آموزه‌های قدیمی و کلاسیک علم اقتصاد اگر مداخلات دولت حداقل شود و امنیت و حقوق مالکیت تأمین شود، اقتصاد راه‌رشد و توسعه را خواهد پیمود. با لحاظ این نکته چرا سیاست صنعتی لازم است؟

سیاست صنعتی به معنای یک آرایش منسجم در حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی، قانون‌گذاری، تأمین مالی و غیره است که از رویکردها و بخش‌های مشخصی در زنجیره تولید حمایت می‌کند تا منافع ملی را حداکثر سازد. این مهم به ویژه در کشورهای در حال توسعه ضروری است چون منابع محدود و توان اجرا و پیاده‌سازی محدودی در برنامه‌های هر سال را دارند. هر اقتصادی که به توسعه یافتگی رسیده است، در دوران توسعه خود سیاست‌های حمایت‌گرایی هوشمند مبتنی بر سیاست‌های صنعتی منسجم را اتخاذ کرده است و گذار از این مسیر برای پیشرفت کشور، گریزناپذیر است.

■ به شکل تاریخی کدام دوره کشور را می‌توان مثال زد که یک برنامه سیاست صنعتی موفق در کشور ما جریان داشته است؟ آیا چنین دوره‌ای وجود دارد؟

اتخاذ و اجرای سیاست صنعتی مفید و هوشمند نیازمند توانمندی اجرایی حکومت در پیاده‌سازی برنامه‌ها، ترکیب همسو و همفکر در مسئولین تأثیرگذار و شرایط محیطی مناسب است. شاید هیچ دوره‌ای کلیه این عوامل کنار هم به خوبی انسجام نیافت که نتیجه آن نیز در



تجربه‌های نسبتاً موفق در دهه ۴۰ و در دوران پس از جنگ تحمیلی وجود دارد که هر دو با افزایش قیمت نفت و پیاده‌سازی سیاست‌های رفاهی و در نتیجه بیماری هلندی، به اوج خود نرسید

